

رویکرد مارپیچ تکاملی به تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ آسیب

شناسی رویکردهای موجود و پیشنهاد رویکرد جایگزین

مسعود عالمی نیسی^۱

چکیده

بررسی و تحلیل گفته‌ها و نوشته‌های مسئولان و اندیشمندان در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نحوه تحقق آن نشان می‌دهد که عمده آنها به این امر معتقدند که برای تحقق این الگو گام‌هایی را باید طی کرد و این گامها به شکل سری و پشت سر یکدیگر باید طی شوند. گام اول تدوین همه عناصر فلسفه اسلامی ایرانی است، گام دوم شکل‌گیری مؤلفه‌های علم اسلامی ایرانی، مبتنی بر این فلسفه است، گام سوم، تحقق فناوری اسلامی-ایرانی مبتنی بر این علم است و به همین ترتیب این گامها طی می‌شود تا فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی شکل بگیرد. اما بررسی تاریخ تمدن‌های بشری و حتی تمدن غربی نشان می‌دهد که این نگاه با طبیعت تکاملی جامعه سازگار نیست و هیچ یک از جوامع انسانی چنین راهی را نپیموده‌اند. رویکرد جایگزین، رویکرد مارپیچی تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. در این رویکرد، حرکت در همه زمینه‌ها و حوزه‌ها با هم آغاز می‌شود، چه در فلسفه، چه در علم، چه در حقوق، چه در سیاست و ... حرکت در محوری نوین آغاز می‌شود و این نیست که از یکی از این حیطه‌ها آغاز شود. مهم آن است که فضایی متفاوت سرتاسر جامعه را فرا می‌گیرد. و این حیطه‌ها در تکامل خود حرکت مارپیچی دارند. یعنی فلسفه اسلامی ایرانی به مانند پازلی است که تکه‌های آن در مقاطع زمانی متفاوت ساخته و تکمیل می‌شوند و پس از گذشت زمان طولانی، تصویری به نام فلسفه اسلامی ایرانی کامل می‌شود و با این ماهیت شناخته می‌شود. و در لابلای ساخته شدن تکه‌های فلسفه تکه‌های علم، فناوری، صنعت، اقتصاد، سیاست و ... نیز به طور همزمان ساخته می‌شوند. ویژگی سوم آن است که همه این حیطه‌ها و حوزه‌ها روی هم‌دیگر تأثیر می‌گذارند و هر اقدامی در هر

^۱ استادیار گروه برنامه ریزی اجتماعی و توسعه منطقه ای دانشگاه علامه طباطبایی

Masood_alami@yahoo.com

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديشبت و خرداد ۱۳۹۳

یک از ساحت‌ها، روی اقدامات بعدی سایر ساحتها اثر می‌گذارد. با رویکرد قبلی، ماموریت حکومت حمایت از یک عده ای است تا فلسفه اسلامی ایرانی را تدوین کنند و به اتمام رسانند و بعد عده ای را برای علم اسلامی ایرانی و همین طور الی آخر و بدین ترتیب نگاه پروژه ای به موضوع وجود دارد که کارفرمای آن حکومت است. اما در این رویکرد وظیفه حکومت راه انداختن آن حرکت جنبش و جوش متفاوت در جامعه است و پس از به وجود آمدن آن حرکت نوین، ایجاد هماهنگی و هدایت آن است.

واژگان کلیدی: رویکرد مارییچ، آسیب شناسی رویکردهای توسعه، فلسفه اسلامی، رویکرد تکاملی

طرح مسأله

چند سالی است که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به عنوان یکی از اولویتهای نظام در کشور مطرح شده است. و به طور طبیعی هدف از طرح آن، صرفاً اندیشه و گفتگو پیرامونش نبوده و هدف تحقق واقعی و رسیدن کشور به آن مطلوب است. این هدفی بزرگ و دراز مدت است و نمی‌توان در زمانی کوتاه انتظار تحقق آن را داشت. اما نوع جهت‌گیری و آغاز حرکت اندیشمندان، علماء، دانشگاهیان، نهادها، پژوهشکده‌ها، سازمانها و ... می‌تواند نشان دهنده و نویددهنده تحقق یا عدم تحقق آرزوهای کنونی ما باشد. بنابراین توجه به این آغاز و ارزیابی و اصلاح آن می‌تواند بسیار حایز اهمیت باشد.

یکی از مهمترین مباحث نقطه آغاز حرکت، مباحث مربوط به چگونگی و روش تحقق الگوی اسلامی ایرانی است. در این مقاله سعی نموده ایم رویکرد کنونی مباحث پیرامون روش و چگونگی رسیدن به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم و آنگاه پس از بررسی نمونه‌های تاریخی تحولات تمدنی، رویکردی جایگزین را در خصوص مسیر تحقق پیشنهاد نماییم.

مروری بر مباحث روش تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مباحث متنوعی در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت طی سالهای اخیر مطرح شده است. در اینجا به طور خاص کارهایی را مرور می‌کنیم، که پیشنهادی در خصوص چگونگی و

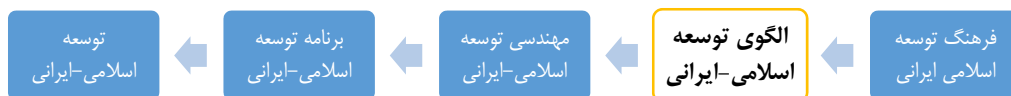
سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

روش تحقق الگو مطرح کرده باشند. از آنجا که پیشرفت، حاوی ابعاد مختلف در حوزه های مختلفی چون، علم، اقتصاد، صنعت و ... است، مطالعات مورد بررسی هم هر یک جنبه ای از آن را مطرح نظر قرار داده اند. در این مجال کوتاه نمی توان همه این آثار بررسی کرده و لذا به برخی از آنها به عنوان نمونه اکتفا می کنیم.

الگوی مهندسی فرهنگی علم: آقای پیروزمند مفهوم مهندسی فرهنگی علم را برای تولید علم اسلامی طرح کرده اند. ایشان در مقاله خود سه نوع متغیر را برای الگوی مهندسی فرهنگی علم مطرح می کند: (۱) متغیرهای ارکان (تولید، عرضه و بهره وری علوم) (۲) متغیرهای سطوح (مبانی، روش ها و نظریه ها) (۳) متغیرهای آثار (فرهنگ فرهنگ، فرهنگ سیاست، فرهنگ اقتصاد) (پیروزمند ۱۳۸۸، ۲۸). اهمیت و میزان تأثیرگذاری در هر کدام از انواع متغیرها به ترتیب عنوان شده است؛ یعنی مثلاً در متغیرهای ارکان تأثیرگذاری و اهمیت تولید بیش از عرضه و عرضه بیش از بهره وری در علوم است. اما برای تصرف در علوم و مهندسی کردن آنها، اولویت ها برعکس می شود و به عنوان مثال در متغیرهای ارکان ابتدا باید در بهره وری، سپس در عرضه و آنگاه در تولید علوم تغییرات لازم را فراهم نمود (پیروزمند ۱۳۸۸، ۳۳). بدین ترتیب ایشان نیز حرکت سری و متوالی برای اصلاح علم و فناوری را ضروری می دانند، اما به عکس دیگران، این توالی را از حوزه های عملیاتی و قابل تغییرتر به حوزه های مبنایی، می دانند. در مقاله دیگر در سال ۱۳۹۲، الگوی توسعه اسلامی را جزء زنجیره ای از گامها می داند که شکل ذیل خلاصه آن را نشان می دهد (پیروزمند، پیش آمد و پس آمد الگوی توسعه اسلامی ۱۳۹۲).



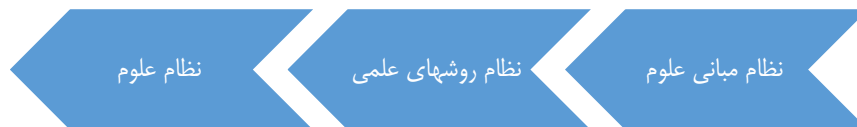
شکل ۱: فرایند علمی دستیابی به توسعه اسلامی

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

وکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

هر گام پیش نیاز گام بعدی در نظر گرفته شده است. یعنی پیش نیاز تحقق الگوی اسلامی ایرانی، فرهنگ توسعه اسلامی- ایرانی است. و پس از تدوین الگو، چند گام دیگر تا تحقق خود توسعه اسلامی- ایرانی باید برداشته شود. اما اصلاح فرهنگ توسعه نیازمند سه گام اساسی و البته متوالی ذیل است (همان، ۴۶ تا ۵۰):



شکل ۲: گامهای اصلاح فرهنگ توسعه اسلامی ایرانی

و نقطه عزیمت در اصلاح فرهنگ توسعه، ایجاد تغییر در نظام مبانی علوم است که نویسنده تأکید ویژه‌ای بر علوم اجتماعی دارد. بنابراین به نوعی نقطه آغاز حرکت برای تدوین الگوی توسعه اسلامی- ایرانی و تحقق آن، در کل روند شکل ۲، از تحول در نظام مبانی علوم دانسته شده است. و برداشت اینجانب از مقاله این است که تا این مبانی متحول نشوند، اتفاقی در سایر مراحل نمی افتد.

الگوی حکمی اجتهادی: الگوی حکمی اجتهادی الگوی پیشنهادی آقای خسرو پناه برای تولید علوم انسانی اسلامی است. الگوی حکمی-اجتهادی دارای پنج رکن شامل نظام فلسفی اسلام، نظام انسان شناسی اسلام، نظام ارزشی اسلام، نظام مکتبی (رفتاری و اجتماعی) اسلام و نظام روش شناختی اسلام است (خسروپناه ۱۳۹۰، ۲۹). از نظر آقای خسروپناه این پنج رکن برای به وجود آوردن علوم انسانی اسلامی از یک توالی و سلسله مراتب منطقی پیروی می کنند. نظام فلسفی اسلام در دو مرتبه فلسفه پایه^۲ و فلسفه مستنتج^۳ در صدر سلسله قرار دارد. نظام

^۲ فلسفه پایه شامل فلسفه هستی، فلسفه معرفت، فلسفه انسان و فلسفه دین است (خسروپناه ۱۳۹۰، ۵۹).

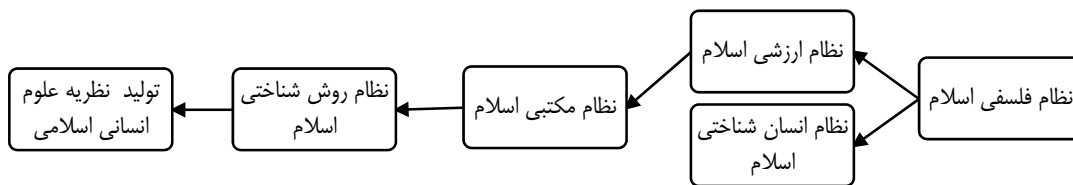
^۳ فلسفه مستنتج شامل فلسفه اخلاق، فلسفه حق، فلسفه اقتصاد، فلسفه زبان، فلسفه فناوری، فلسفه هنر و امثالهم است (خسروپناه ۱۳۹۰، ۵۹).

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

وکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

فلسفی اسلام به نظام ارزشی (توصیه انسان بایسته) و نظام انسان شناختی عام و انسان شناختی خاص (توصیف انسان شایسته عام و خاص) می انجامد. نظام حقوقی و فقهی و نظام اخلاقی و عرفانی از نظام ارزشی اسلام و انسان اجتماعی و انسان سیاسی و انسان تربیتی و انسان اقتصادی و انسان حقوقی نیز از نظام انسان شناختی اسلام استخراج می شود. [با] توصیف انسان شایسته و توصیه انسان بایسته به مکتب رفتاری و اجتماعی اسلام (نظام مکتبی اسلام) دست می یابیم. نظام روش شناختی اسلام با هرمنوتیک اجتهادی در مرتبه بعد قرار دارد که با شرایط خاصی توان توصیف انسان تحقق یافته را به پژوهشگر می دهد و نظریه های علوم انسانی را تولید می کند (خسروپناه ۱۳۹۰، ۵۹ و ۶۰). این توالی منطقی در شکل ذیل خلاصه شده است:



شکل ۳: گام‌های منطقی الگوی حکمی اجتهادی

برداشت نگارنده از توالی منطقی این پنج رکن و کل مطالب مقاله آن است که هر نظام مستخرج از نظام یا نظام‌های مربوط به گام قبلی است و لذا در عمل نمی توان انتظار داشت پیش از به وجود آمدن نظام مکتبی اسلام، نظام روش شناختی آن را به دست آورد. از این رو نوعی توالی زمانی بر این نظامها حاکم است.

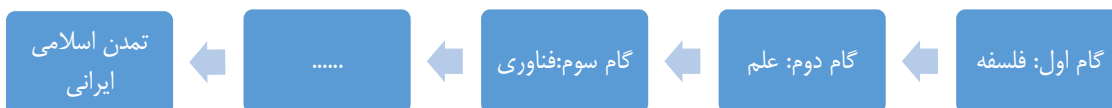
آنچه میان این دیدگاهها مشترک است آن است که چگونگی رسیدن به پیشرفت ایرانی اسلامی را یک فرایند دارای چند گام می بینند که این گامها به ترتیب باید طی شوند و تا گام اول طی نشود نمی توان به سراغ گام دوم رفت. هر کدام از نظریه ها، ممکن است گامهای متفاوتی را تعریف کرده باشند، اما محتوای گامها در اینجا مدنظر نیست، بلکه الزام به توالی زمانی میان آنها مورد توجه است. یعنی آنچه این نظریه ها مورد تأکید قرار می دهند و یا حداقل از آنها استفاده می شود، آن است که جامعه و نهادها و بازیگران مختلف پیشرفت، ابتدا

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

گام اول را طی کنند و آن را به اتمام برسانند تا بعد بتوانند وارد گام دوم شوند و همین طور گامهای بعدی.



شکل ۴: الگوی توالی زمانی گامهای تحقق تمدن اسلامی ایرانی

سؤال این است که آیا در عالم واقع و عمل، تمدنهای بشری چنین مسیری را طی نمودند؟ در ادامه می‌خواهیم به عنوان نمونه، مروری بر تاریخ تحولات تمدن غربی داشته باشیم و به این سؤال پاسخی اولیه بدهیم.

روش تحقیق

هدف استخراج الگوی پیشنهادی حاکم بر تکامل تمدن‌ها و ارزیابی الگوهای نظری گام به گام در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. تمدن غرب در چند سده اخیر از طریق موردپژوهی مورد بررسی قرار گرفت. اما تمدن غرب بسیار مبحث گسترده‌ای است و در یک پژوهش قابل بررسی نیست. لذا می‌بایست از چند سده و از میان دوره‌های مختلف دست به انتخاب می‌زدیم. تمدن غرب شامل دوره‌های رنسانس، عصر خرد، عصر روشنگری و عصر مدرن می‌شود و هر کدام از این دوره‌ها را می‌توان یک سازه تمدنی به حساب آورد به این معنا که در هر کدام از این دوره‌ها میان ابعاد مختلف فلسفی، علمی، صنعتی، اقتصادی و ... تمدن می‌توان تناسب و هماهنگی مشاهده کرد و به همین دلیل آن را به عنوان دوره‌ای مجزا عنوان کرده‌اند. از میان دوره‌های مختلف، عصر روشنگری را انتخاب نموده‌ایم.

پس از آن شخصیت‌های تعیین‌کننده در عصر روشنگری و زندگی و آثار آنها را از طریق منابع موجود به ویژه *دایره‌المعارف عصر روشنگری* (۲۰۰۴) مورد مطالعه قرار دادیم. تعداد این شخصیتها نزدیک به نود نفر می‌باشند. فعالیتها و آثار این اشخاص از حیث رشته علمی، حوزه و زمینه فعالیت و سهم آنها در عصر روشنگری مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این بررسی در قالب

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌پشت و خرداد ۱۳۹۳

یک جدول به صورت خلاصه تهیه گردید. که ردیف افقی حیطه‌های مختلف فعالیت و در ستون عمودی نام و نام خانوادگی هر یک از شخصیتها آورده شده است. همچنین دوره حیات(سال تولد و فوت) و نیز مکان تولد و زندگی آنها در جدول قید شده است. با استفاده از این جدول یک تحلیل زمانی انجام می‌دهیم. از آنجا که اشخاص به ترتیب زمانی آورده شده‌اند، جدول برای ما یک خط زمان^۴ می‌سازد و به خوبی به ما نشان می‌دهد که آیا تمدن غرب در عصر روشنگری به صورت گام به گام بوده و حیطه‌های فعالیت یکی پس از دیگری مطرح شده‌اند یا خیر؟! بنابراین از روشهای موردپژوهی، مطالعه تاریخی و اسنادی در این پژوهش استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

زندگی، آثار و فعالیت‌های شخصیت‌های تأثیرگذار در عصر روشنگری(از ۱۶۵۰ تا ۱۸۰۰ میلادی) در غرب مورد بررسی قرار گرفتند. اگر تحولات این جوامع مطابق نظریه‌های توالی زمانی پیش رفته باشد، قاعدتاً می‌بایست ابتدا فلاسفه ظهور پیدا کرده باشند، سپس دانشمندان تجربی، پس از آن مردان فناوری و صنعت و الی آخر. اطلاعات بدست آمده از این بررسی در یک جدول خلاصه شده است. در ضلع عمودی جدول اسم هر یک از شخصیتها که تعداد آنها به هشتاد و چهار نفر می‌رسد عنوان شده و در ضلع افقی، انواع مشاغل، فعالیتها و حوزه‌های کاری و علمی و اجرایی در نظر گرفته شده است. هر یک از شخصیتها اگر در یک زمینه معینی فعالیت داشته، مربع مربوطه، علامت گذاری شده است. حاصل امر در جدول ۱ نشان داده شده است.

^۴ Time line

جدول ۱: شخصیت های تأثیرگذار در عصر روشنگری و حیطه فعالیت ها و آثار آنها

دوره ها (سال تولد)	فلسفه	فلسفه سیاسی	تاریخ	سیاستمدار	نویسنده	فلسفه	ریاضی	فیزیک	زیست‌شناسی	شعر	دانشمند تجربی	حقوق	نمایشنامه نویسی	اقتصاددان	هنگامه‌ساز	الهیات	گیاه‌شناس	آموزگار	منتقد ادبی	علم معانی بیان	موسیقی شناس	مردم‌نگاری	جغرافی	جانور شناس	زیست شناس	ستاره شناس	کشیش	اقتصاد سیاسی	حکاک	نابشر	سیاح	آموزگار	زندگینامه نگار	شیمی	روزنامه نگار	نعت شناس			
دوره اول: ۱۵۶۰ تا ۱۶۶۰	فرانسویس بیکن (1561-1626)	انگلستان																																					
	توماس هابز (1588-1679)	انگلستان																																					
	باروخ اسپینوزا (1632-1677)	هلند																																					
	جان لاک (1632-1704)	انگلستان																																					
	بالتازا بکر (1634-1698)	هلند																																					
	رابرت هوک (1635-1703)	انگلستان																																					
	ایزاک نیوتون (1642-1727)	انگلستان																																					
	گوتفرد لایبنیتس (1646-1716)	آلمان																																					
	پییر بل (1647-1706)	فرانسه																																					
برنار لو بوویه دو فونته‌نل (1657-1757)	فرانسه																																						
دوره دوم: ۱۶۶۰ تا ۱۶۸۰	جووانی باتیستا ویکو (1668-1744)	ایتالیا																																					
	دیمیتریه کانتیمیر (1673-1723)	مولداوی																																					
	بوهمر (1674-1749)	آلمان																																					
	کریستین وولف (1679-1754)	آلمان																																					
دوره سوم: ۱۶۸۰ تا ۱۷۰۰	لودویگ هولبرگ (1684-1754)	نروژ																																					
	جورج برکلی (1685-1753)	ایرلند																																					
	امانوئل سویدنبرگ (1688-1772)																																						
	منتسکیو (1689-1755)	فرانسه																																					
	فرنسوا کینای (1694-1774)	فرانسه																																					
	ولتر (1694-1778)	فرانسه																																					
	هنری هوم (1696-1782)	اسکاتلندی																																					
مارکوس پومبال (1699-1782)	پرتغالی																																						
دوره چهارم: ۱۷۰۰ تا ۱۷۲۰	امیلی دوشاتله (1706-1749)	فرانسه																																					
	بنجامین فرانکلین (1706-1790)	آمریکا																																					
	کارل لینه (1707-1778)	سوئد																																					
	بوفون (1707-1788)	فرانسه																																					
	توماس رید (1710-1796)	اسکاتلندی																																					
	میخائیل لومونسف (1711-1765)	روسیه																																					
	دیوید هیوم (1711-1776)	اسکاتلندی																																					
	راجر جوزف بوسکویچ (1711-1787)	کرواسی																																					
	آنتونیو گنوسی (1712-1769)	ایتالیا																																					
	ژان ژاک روسو (1712-1778)	سوئیس																																					
	دنيس ديدرو (1713-1784)	فرانسه																																					
	جیمز برنت (لرد مونبودو) (1714-1799)	اسکاتلند																																					

				فلسفه	نویسنده	سیاستمدار	تاریخ	فلسفه سیاسی	ریاضی	فیزیک	زیست‌شناسی	شعر	دانشمند تجربی	حقوق	نمایشنامه نویسی	قتصاددان	هنرگزار	الهیات	گیاه شناس	آموزگار	منتقد ادبی	علم معانی بیان	موسیقی شناس	مردم نگاری	جغرافی	جانور شناس	زیست شناس	ستاره شناس	کشیش	قتصاد سیاسی	حکاک	نابزر	سیاح	آموزگار	زندگینامه نگار	شیمی	روزنامه نگار	لغت شناس		
	کلود آدرین هلوسیوس	(1715-1771)																																						
دوره پنجم: ۱۷۲۰ تا ۱۷۴۰	الکساندر سوماروکوف	(1717-1777)	روسیه									•			•																									
	بارون دولباخ	(1723-1789)	فرانسه		•																																			
	آدام اسمیت	(1723-1790)	اسکاتلند	•												•																								
	ایمانوئل کانت	(1724-1804)	آلمان	•																																				
	زاخاریا آرفه‌لین	(1726-1785)	صربستان		•		•						•																											
	یوان رایبچ	(1726-1801)	صربستان		•		•																																	
	گوتهولد افرایم لسینگ	(1729-1781)	آلمان					•								•																								
	موسی مندلسون	(1729-1786)	آلمان	•																																				
	ادموند برک	(1729-1797)	ایرلند			•		•																																
	آندرس کیدنیوس	(1729-1803)	فنلاند- سوئد		•																																			
	فرانتسکو جاویر کلاویجرو	(1731-1787)	مکزیک				•																																	
	جوزف هایدن	(1732-1809)	اتریش															•																						
	پونیاوسکی	(1732-98)	لهستان			•																																		
	وراتیسلاو	(1733-1793)	چک												•																									
	فلدستراوچ	(1734-1799)	روسیه و آلمان		•																																			
	کراسیکی	(1735-1801)	لهستان										•																											
	ژوزف لویی لاگرانژ	(1736-1813)	ایتالیا- فرانسه							•																														
	ادوارد گیبون	(1737-1794)	انگلستان				•																																	
	لوییجی گالوانی	(1737-1798)	ایتالیا		•																																			
	توماس پین	(1737-1809)	انگلیس آمریکا																																					
توماس ایت	(1738-1766)	آلمان		•					•																															
چزاره باکاریا	(1738-1794)	ایتالیا												•																										
دوسیتج اوپردوویچ	(1739-1811)	صربستان		•	•						•																													
جیمز باسول	(1740-1795)	اسکاتلند																																						
دوره ششم: ۱۷۴۰ تا ۱۷۶۰	مارکی دو کندورسه	(1743-1794)	فرانسه	•				•	•																															
	آنتوان لاووازیه	(1743-1794)	فرانسه																																					
	اکاترینا داشکوا	(1743-1810)	روسیه										•																											
	توماس جفرسون	(1743-1826)	آمریکا			•		•																																
	دنيس فونويزين	(1744-1792)	روسیه		•											•																								

				فلسفه	نویسنده	سیاستمدار	تاریخ	فلسفه سیاسی	ریاضی	فیزیک	زیست‌شناسی	شعر	دانشمند تجربی	حقوق	مآیشتنامه نویسنده	قتصاددان	آهنگساز	الهیات	گیاه شناس	آموزگار	منتقد ادبی	علم معانی بیان	موسیقی شناس	مردم نگاری	جغرافی	جانور شناس	زیست شناس	ستاره شناس	کشیش	قتصاد سیاسی	حکاک	نابشر	سیاح	آموزگار	زندگینامه نگار	شیمی	روزنامه نگار	فقت شناس					
دوره ششم: ۱۷۴۰ تا ۱۷۶۰	جان گاتفرید هردر	(1744-1803)	آلمان							•							•																										
	گاسپار ملکور د جوولانوس	(1744-1811)	اسپانیا			•																																					
	نیکولای نوبکوف	(1744-1818)	روسیه																																								
	الیپ دگوژ	(1748-1793)	فرانسه													•																											
	فرانتسکو ماریو پاگانو	(1748-1799)	ایتالیا	•										•																													
	آدام وایسهائویت	(1748-1830)	آلمان	•																																							
	الکساندر رادیشچف	(1749-1802)	روسیه	•	•																																						
	یوهان ولفگانگ گوته	(1749-1832)		•																																							
	هوگو کولاتی	(1750-1812)	لهستان	•																																							
	جیمز مدیسون	(1751-1836)	آمریکا	•		•																																					
	الکساندر همپلتون	(1755-1804)	آمریکا			•		•									•																										
	خوزه سلستینو موتیس	(1755-1808)	اسپانیا																	•																							
	ولفگانگ آمدئوس موتزارت	(1756-1791)	اتریش															•																									
	مری ولستون کرافت	(1759-1797)	بریتانیا	•	•																																						
لیندرو فرناندز د موراتین	(1760-1828)	اسپانیا													•																												
دوره هفتم: ۱۷۶۰ تا ۱۸۰۰	خوزه گاسپار د رودریگز فرانیکا	(1766-1840)	پاراگوئه			•																																					
	ویلهم فون هومبولت	(1767-1835)	آلمان	•		•					•									•																							
	واسیلی کارازین	(1773-1842)	روسیه																	•																							
	جاکومو لتوپاردی	(1798-1837)	ایتالیا	•								•																															

سومین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده پست و خرداد ۱۳۹۳

افرادی که در جدول فوق نام برده شده اند، جزء شخصیت هایی هستند که فعالیت‌های آنها در شکل دادن و متمایز کردن این دوره و شناخته شدن آن به عنوان عصر روشنگری نقش داشته اند. اولین برداشت از این جدول آن است که در عصر روشنگری، فعالیت این شخصیت ها در همه زمینه ها و حوزه ها، به گونه ای همزمان صورت گرفته است. این نبوده که یک دوره ای فلسفه کار شود و پس از اتمام آن به سراغ علم بروند و پس از آن به سراغ صنعت بروند و الی آخر. بلکه در همان زمانی که یک اثر فلسفی ارائه می شود، یک اثر هنری یا حقوقی نیز ارائه می شود و همزمان با آن یک اختراع ثبت می شود.

برای فهم بهتر این موضوع و همزمانی شاخه ها و حوزه های مختلف، دو قرن هفدهم و هیجدهم را به ده دوره ۲۰ ساله تقسیم کرده ایم و فعالیت شخصیت های تعیین کننده که در هر بیست سال به دنیا آمده اند و همزمان بوده اند را بررسی کرده ایم.

دوره اول: سالهای ۱۵۶۰ تا ۱۶۶۰؛ در همان زمانی که اسپینوزا کتاب اخلاق^۵، لاک نظریه ذهن (تخته پاک)^۶ و بکر جهان افسون شده^۷ را در حیطه فلسفه ارائه کردند، ایزاک نیوتن نظریه خود با عنوان قانون جهانی جاذبه^۸ را در زمینه فیزیک ارائه می کند (Reill and Wilson 2004).

دوره دوم: سالهای ۱۶۶۰ تا ۱۶۸۰؛ به جز کریستین وولف که تنها فیلسوف بود، بوهمر^۹ در زمینه حقوق کار کرد. وی قانون کلیسا را در کتاب *قانون کلیسای پروتستان*^{۱۰} اصلاح نمود و با کتاب *مقدمه ای بر قانون اساسی*^{۱۱}، قانون مدنی آلمان را از سیطره قانون روم خارج کرده و و زمینه ای برای تهیه قانون دولتهای پروس فراهم نمود. و کسی مانند دیمیتریه کانتیمیر^{۱۲} (شاهزاده مولداوی) در زمینه تاریخ، کتاب *تاریخ رشد و افول امپراطوری عثمانی*^{۱۳} را می نویسد و در زمینه جغرافی کتاب *شرح حال مردم مولداوی*^{۱۴} که شرح

⁵ *Ethica Ordine Geometrico Demonstrata (The Ethics)*, 1677

⁶ *An Essay Concerning Human Understanding*, 1690

⁷ *The World Bewitched*, 1695

⁸ *Principia*, 1687

⁹ Justus Henning Boehmer

¹⁰ *Jus ecclesiasticum protestantium*, Halle 1714

¹¹ *Introductio in jus digestorum*, Halle 1704

¹² Dimitrie Cantemir

¹³ *History of the Growth and Decay of the Ottoman Empire*

¹⁴ *Descriptio Moldaviae*

سومین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی به شرف

دکایمی مناهیم و نظریه های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی به شرف

ارده پست و خرداد ۱۳۹۳

جغرافیایی، اقتصادی و مردم نگارانه مردم مولداوی بوده را بیرون می دهد. همچنین وی در آهنگسازی و زبان شناسی نیز فعالیت داشته است (Reill and Wilson 2004).

دوره سوم: سالهای ۱۶۸۰ تا ۱۷۰۰؛ در این دوره، تعداد فیلسوفان بیشتر بود. لکن در همان زمان جورج برکلی که خود نیز فیلسوف بود، در زمینه فیزیک و در نقد نظریه نیوتون درباره حرکت^{۱۵} را می نویسد و نیز در ریاضیات، نقد مبانی حساب دیفرانسیل را در کتاب تحلیل گر^{۱۶} انجام می دهد. هولبرگ نمایشنامه های خود مانند قالب پارچ سیاسی^{۱۷} را در سالهای ۱۷۲۲ و ۱۷۲۳ برای تئاتر گراندگاد^{۱۸} در کپنهاگ می نویسد. همچنین وی به عنوان مؤسس ادبیات نوین دانمارکی و نروژی شناخته می شود. هنری هوم یک حقوق دان بود. در مورد نقش دارایی در جامعه و سیاست، رساله در باب موضوعات مختلف آثار باستانی بریتانیا^{۱۹} را نوشت و درباره مراحل تاریخ بشر و نیاز به قانون، دو کتاب روند تاریخی قانون^{۲۰} و طرحی در باب تاریخ بشر^{۲۱} را می نویسد. مارکوس پومبال^{۲۲} یک سیاستمدار و (معادل کنونی) نخست وزیر پرتغال و آلگاروه در ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۷ بود. شهرت او به خاطر مدیریت بحرانهای پس از زلزله ۱۷۵۵ بود و نیز سبک معماری که پس از این زلزله به نام اوست. سیاستهای اصلاح اقتصادی او در تنظیم فعالیتهای تجاری و استاندارد کردن کیفیت در کشور پرتغال در تضعیف تفتیش عقاید نقش داشت. اصلاحات اساسی اقتصادی، مدیریتی و آموزشی و اصلاحات او در کلیسا نقش زیادی در سکولاریزاسیون داشت. فرانسوا کینای با آثار اقتصادی مانند جدول اقتصادی^{۲۳} مبانی اندیشه فیزیوکرات ها را فراهم می کند. همچنین ولتر کسی است که به انتقاد از کلیسای کاتولیک، دفاع از آزادی مذهبی، دفاع از آزادی بیان و جدایی دین از سیاست شهرت دارد که این کار را از طرق گوناگون مانند رمان، شعر، نمایشنامه، کارهای علمی و تاریخی انجام می داد (Reill and Wilson 2004).

¹⁵ *De Motu* 1721

¹⁶ *The Analyst* 1734

¹⁷ *Den Politiske Kandestøber*, 1722

¹⁸ Lille Grønnegade

¹⁹ *Essay Upon Several Subjects Concerning British Antiquities*, 1745

²⁰ *Historical Law Tracts*, 1774

²¹ *Sketches on the History of Man*, 1774

²² Marquis of Pombal

²³ *Economic Table*, 1758

سومین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی به شرف

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی به شرف

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

دوره چهارم: سالهای ۱۷۰۰ تا ۱۷۲۰؛ در کنار کار فلسفی دیوید هیوم و طرح /اراده آزاد در رساله ای در باب طبیعت بشری^{۲۴} و گفتگو پیرامون دین طبیعی^{۲۵}، امیلی دوشاتله در فیزیک مبنای کشف اشعه مادون قرمز را در مقاله خود^{۲۶} پی ریزی کرد. در همان زمان کارل لینه به فیزیک، گیاه شناسی و جانورشناسی پرداخت. وی بنیانگذار نامگذاری علمی و پدر نظام امروزی طبقه بندی گیاهان و جانوران شناخته می شود. نظام طبیعت^{۲۷}، گونه های گیاهان^{۲۸} و جنس گیاهان^{۲۹} از آثار شناخته شده او هستند. جیمز برنت بنیانگذار زبان شناسی تاریخی تطبیقی است و کتاب ریشه و فرایند زبان را نوشت^{۳۰}. و الکساندر سوماروکوف^{۳۱} تئاتر کلاسیک را در روسیه خلق کرد. از نمایشنامه های شناخته شده او نمایشنامه خووف^{۳۲} بود (Reill and Wilson 2004).

دوره پنجم: سالهای ۱۷۲۰ تا ۱۷۴۰؛ از متولدین این دوره، آدام اسمیت در کنار کارهای فلسفی کتاب ثروت ملل^{۳۳} را که یک اثر اقتصادی است، بیرون می دهد. رایچ و زاخریا آرفه‌لین از نمایندگان ادبیات سبک باروک در صربستان بودند. گوتتهولد افرایم لسینگ نمایشنامه نویس است. او تلاش کرد تئاتر ملی آلمان را تأسیس کند و درام های او مانند دوشیزه سارا سامپسون^{۳۴} و امیلیا گالوتی^{۳۵} بسیار مؤثر بوده است. وی منتقد ادبی نیز بود و روی ادبیات آلمانی بسیار تأثیر گذاشت. از آثار او در نقد ادبی لائوکوئون^{۳۶} بود. جوزف هایدن آهنگساز بوده و او را پدر سمفونی می دانند. وی استاد بتهوون بوده است. ژوزف لویی لاگرانژ در ریاضیات، رساله مکانیک تحلیلی^{۳۷} و حل معادلات عددی^{۳۸} که در زمینه نظریه

²⁴ *A Treatise of Human Nature, 1739*

²⁵ *Dialogues Concerning Natural Religion, 1777*

²⁶ *Dissertation sur la nature et la propagation du feu, 1737*

²⁷ *Systema Naturae, 1735*

²⁸ *Species Plantarum ۱۷۵۳*

²⁹ *Genera plantarum ۱۷۳۷*

³⁰ *The Origin and Progress of Language* (6 volumes, Edinburgh and London, J. Balfour and T. Cadell, 1773–1792)

³¹ Alexander Sumarokov

³² *Khorev, 1749*

³³ *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations, 1776*

³⁴ *Miss Sara Sampson, 1755*

³⁵ *Emilia Galotti, 1772*

³⁶ *Laocoon: An Essay on the Limits of Painting and Poetry, 1766*

³⁷ *Mécanique Analytique, 1788*

سومین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی به شرف

دکترای مناهیم و نظریه های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی به شرف

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

اعداد است را می نویسد. در فیزیک، گالوانی را از پیشتازان بیوالکتریک که در مطالعه الگوهای الکتریکی و سیگنالهای نظام عصبی به کار می رود، می دانند. دوستیچ اوبرادوویچ^{۳۹} زبانشناس بود و مؤسس ادبیات جدید صرب به شمار می رود. همچنین وی جزء رجال سیاسی و اولین وزیر آموزش و پرورش صرب بود. او نخستین مدرسه عالی صربی را تأسیس نمود که اکنون به نام دانشگاه بلگراد شناخته می شود. فلسفه کانت و هگل و به نوعی تفکر روشنگری، از طریق همین دانشگاه به دانشجویان صرب منتقل شد. باسول به دلیل نوشتن زندگینامه هایش مشهور است. اصلی ترین آنها زندگی *ساموئل جانسون*^{۴۰} است (Reill and Wilson 2004).

دوره ششم: سالهای ۱۷۴۰ تا ۱۷۶۰؛ از میان شخصیت‌های این دوره لاووازیه در شیمی کاشف اکسیژن و ئیدروژن به شمار می رود. در کنار ادیب و فیلسوفی مانند یوهان ولفگانگ گوته و دیوان اشعارش، *فاوست*^{۴۱}، توماس جفرسون یک سیاستمدار بود. وی نویسنده اصلی بیانیه استقلال آمریکا و از بنیانگذاران ایالات متحده آمریکا به شمار می رود. فرانچسکو ماریو پاگانو یک حقوق دان بود و مدرسه حقوقی ناپل را تأسیس نمود. همچنین از جمهوری خواهان ایتالیا بوده و قانون اساسی جمهوری ناپل (۱۷۹۹) را نوشت. لیندرو فرناندز د موراتین نمایشنامه نویس بود و اولین نمایشنامه او *پیرمرد و دختر جوان*^{۴۲} بود. همچنین کمی زودتر دگوژ اولین نمایشنامه اش با عنوان *زمره و میرزا*^{۴۳} را در سال ۱۷۸۴ که بر ضد برده داری بود منتشر می کند. دگوژ فعال سیاسی نیز بود و جزء اولین کسانی بود که در پی تساوی حقوق زن و مرد بوده و بیانیه ای^{۴۴} در این زمینه منتشر کرد. جاکومو لئوپاردی شاعر و لغت شناس بود و از مجموعه اشعار او *کالتی*^{۴۵} است. ولفگانگ آمدائوس موتزارت آهنگساز مشهور همان دوره است. و خوزه سلسستینو موتیس به تحقیقات تجربی در

³⁸ *Résolution des équations numériques*, 1798

³⁹ . Dositej Obradović

⁴⁰ *Life of Samuel Johnson*, 1791

⁴¹ Faust, 1808

⁴² El viejo y la niña, 1790

⁴³ Zamore and Mirza, 1784

⁴⁴ *Declaration of the Rights of Woman and the Female Citizen*, 1791

⁴⁵ Canti, 1835

سومین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی به شرف

دکاووی مناهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی به شرف

ارده پست و خرداد ۱۳۹۳

باب گیاه شناسی، جمع آوری گونه های متعددی از گیاهان و ثبت اطلاعات و مشخصات آنها پرداخت. الکساندر همیلتون حقوقدان و اقتصاددانی است که نقش اصلی را در نگارش مجموعه مقالات *فدرالیست* - اثر بسیار تأثیرگذار بر تدوین قانون اساسی و نظام حکومتی ایالات متحده - داشت. وی همچنین اولین نویسنده سیاستهای اقتصادی جورج واشنگتن، مؤسس بانک ملی آمریکا و مؤسس نخستین حزب سیاسی آمریکا بود (Reill and Wilson 2004).

دوره هفتم: سالهای ۱۷۶۰ تا ۱۸۰۰؛ ویلهلم فون هومبولت در زمینه آموزش و پرورش کار کرد. او وزیر آموزش بود و معمار نظام آموزشی پروس به شمار می رود. وی مؤسس دانشگاه برلین است. همچنین کتابی در زمینه آموزش با عنوان *نظریه آموزش انسان*^{۴۶} منتشر کرد. همچنین واسیلی کارازین^{۴۷} مؤسس وزارت آموزش ملی در روسیه و مؤسس دانشگاه خارکیف^{۴۸} است (Reill and Wilson 2004).

همانطور که مشاهده می شود هیچ تقدم و تأخری میان حیطه های مختلف معرفتی و علمی وجود ندارد. بلکه در همان زمانی که آثار فلسفی نوشته می شوند، اکتشافات شیمی و فیزیک ارایه می شوند. و در همان زمانی که نمایشنامه ها خلق می شوند و بر روی پرده می روند، دانشگاهها و مدارس و نظام های آموزشی تأسیس می شوند. و در همان زمانی که نظریه های اقتصادی طرح می شوند، رجال سیاسی در عمل سیستمهای اقتصادی را راه اندازی می کنند.

مطلب بعد آنکه، شخصیتهای عصر روشنگری و فعالیتهای آنها اختصاصی به کشورهای محدود نداشت. این حرکت در کل کشورهای اروپایی جریان پیدا کرد. به عنوان نمونه جان لاک از انگلستان، لایبنتس از آلمان، پیتر بل از فرانسه، ویکو از ایتالیا، هولبرگ از نروژ، برکلی از ایرلند، هوم از اسکاتلند، لومونسف از روسیه، روسو از سوییس، ارفه لین از صربستان، پونیاتوسکی از لهستان بودند. نه تنها از اروپا، بلکه عصر روشنگری شخصیتهای تأثیر گذاری از کشورهای آمریکای شمالی و حتی آمریکای جنوبی داشت مانند فرانکلین از

⁴⁶ Theory of Human Education', which had been written in about 1793

⁴⁷ Vasily Karazin

⁴⁸ Kharkiv University

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

آمریکا، کلاویجرو^{۴۹} از مکزیک و فرانیکا^{۵۰} از پاراگوئه بودند. و گویی که در کل اروپا و آمریکا حرکتی ایجاد شده بود.

الگوی مارپیچ تکاملی تمدن غربی

اولاً: آنچه به نام فلسفه غرب و به طور خاص فلسفه روشنگری، می‌شناسیم، توسط اشخاصی که در مقاطع زمانی گوناگون زندگی می‌کردند ساخته شد. اینطور نبود که مثلاً ربع اول دو قرن هفدهم و هیجدهم عده‌ای به فلسفه پرداخته باشند و پس از آن به تولید علوم یا دیگر حیطه‌ها پرداخته باشند. همانطور که در اوایل اسپینوزا (۱۶۳۷ تا ۱۶۷۷) آرای فلسفی مطرح می‌کند، کانت (۱۷۲۴ تا ۱۸۰۴) در میانه این دوره و هومبولت (۱۷۶۷ تا ۱۸۳۵) در اواخر آن پازل فلسفی روشنگری را تکمیل می‌کنند. همین طور می‌توان درباره دست‌آوردهای علمی این دوره این سخن را تکرار کرد. همانگونه که نیوتن (۱۶۴۲ تا ۱۷۲۷) اوایل در فیزیک و ریاضیات ظهور می‌کند، لاولووزیه (۱۷۴۳ تا ۱۷۹۴) در اواخر در شیمی کشفیات خود را ارایه می‌کند. به همین ترتیب در زمینه‌های اقتصاد، حقوق، هنر، معماری، سیاست و سایر حیطه‌های عصر روشنگری می‌توان گفت، هر کدام از آنها مانند پازلی بوده‌اند که تکه‌های آن در زمانهای مختلف چیده شده‌اند. و در هر مقطع زمانی، که در اینجا مقاطع بیست ساله در نظر گرفته شده است، همه پازل‌ها با همدیگر و همزمان در حال تکمیل شدن هستند. در همان زمانی که فلسفه در حال جلو رفتن است، فیزیک نیز متکامل می‌شود و در عین حال حقوق رشد می‌کند و همچنین هنر و شعر و ادبیات نیز نمو دارد. این حرکت، مانند حرکت چند پیچک است به دور یک محور؛ پیچک فلسفه، پیچک فیزیک، پیچک شیمی، پیچک اقتصاد، پیچک سیاست، پیچک معماری، پیچک هنر و شعر و ادبیات و ... همه با هم و در گردش دور یک محور، رشد و نمو و حرکت و تغییر و تکامل دارند. و به همین لحاظ است که ماهیت یکپارچه و با خصیصه‌ای مشترک به نام عصر روشنگری شناخته می‌شوند و از عصر خردگرایی و عصر مدرن متمایز می‌شود. و پس از گذشت زمان دو قرن، آنوقت شکل و شمایل فلسفه روشنگری، علم روشنگری، اقتصاد روشنگری و ... نمایان می‌شود و هیچ یک از ابتدا معلوم و روشن نبود.

⁴⁹ Francisco Javier Clavijero

⁵⁰ José Gaspar Rodríguez de Francia

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارویشت و خرداد ۱۳۹۳

شکل ذیل شمای تصویری از مفهوم ماریپیج تکاملی نشان می‌دهد. فلسفه، علم، فناوری، صنعت، اقتصاد، سیاست، هنر، حقوق و ... مانند مفتول‌هایی هستند که به همراه پیچش در همدیگر به جلو حرکت می‌کنند. و پس از گذر زمان، یک تنه واحد و یک شکل واحد به نام عصر روشنگری، شکل می‌گیرد که حاصل همین در هم تنیدگی و تأثیر و تأثر حیطة‌ها و حوزه‌های مختلف در طول زمان است و به آن سازه گونه‌گی را می‌بخشد.



شکل ۵: الگوی ماریپیج تکاملی تمدن

اما این محور از کجا می‌آید و این محور در کجای جامعه جای دارد؟ آیا واقعاً محوری جدای از جامعه و افراد آن وجود دارد؟ آیا کسی خارج از افراد و اندیشمندان جامعه محوری را تعیین می‌کند و آنها شروع به حرکت دور آن می‌کنند؟ اگر دوباره عصر روشنگری را مرور کنیم، می‌بینیم در اروپای اواخر قرن ۱۷ و ۱۸، ولوله‌ای افتاده بود، همه‌مه‌ای شده بود. هابز در انگلستان اندیشه فلسفی می‌گوید، در آلمان بوهمر روی قانون کار می‌کند، لاوواوزیه در فرانسه عناصر جدیدی در طبیعت کشف می‌کند، موتزارت در اتریش در آهنگسازی تحول به وجود می‌آورد، همیلتون از معماران اقتصادی و سیاسی حکومت ایالات متحده آمریکاست و نیز کارازین در روسیه در آموزش تحول می‌آفریند. این ولوله و همه‌مه و حرکت و جنب و جوش چیزی است که بعدها روشنگری نام می‌گیرد. اما در همان زمان چگونه در این مسیر می‌افتد؟ چگونه آن محور، متمایز می‌شود؟

در اسلام مفهومی داریم به نام تغییر قضا و قدر؛ که انسان با اعمال، افکار و گفتار خود می‌تواند قضا و قدر محتوم را نیز تغییر دهد. یعنی در هر لحظه تصویر و افق پیش رو و چشم انداز محتوم پیش روی انسان تحت تأثیر عمل او در این لحظه تغییر می‌کند و انسان پا در وادی جدیدی می‌نهد. و در این وادی جدید هر قدمی که برمی‌دارد، پیش رویش را تغییر می‌دهد. تا اینکه مجموع این لحظات و آنچه در آنها به جای گذاشته، هویت و زندگی او را شکل می‌بخشد. کل نفس بما کسبت رهینه (سوره المدثر آیه ۳۸). این مفهوم را نمایشنامه نویس روس، آندری تارکوفسکی، به زیبایی در فیلمنامه استاکر بیان کرده است.

سومین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی شرف

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی شرف

ارویشت و خرداد ۱۳۹۳

عده ای پا در یک ساختمانی می نهند و بعد می خواهند از آن بیرون بیایند. اما مسأله این بود که این ساختمان این ویژگی را داشت که هنگامی که یک در را باز می کنند، می بینند کل صحنه عوض می شود، راههای پیش رو و حتی قبل نیز عوض می شد. و صحنه پیش آمده کاملاً به انتخاب درب بستگی داشت (تارکوفسکی ۱۳۸۲).

در جامعه نیز چنین است؛ لَهْ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِّنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (سوره الرعد آیه ۱۱). پروردگار هیچ تغییری در وضعیت اقوام صورت نمی دهد، مگر آنکه آنها در خود تغییری ایجاد کنند. در تمدن ها نیز دقیقاً چنین اتفاقی می افتد. یک عده ای یک کاری را انجام می دهند، یک نظریه فلسفی می دهند، یا یک ابزاری می سازند، این اندیشه در جامعه پراکنده می شود، یا این ابزار در جامعه مورد استفاده قرار می گیرد، فضای جدیدی را ایجاد می کند، در این فضای جدید دوباره عده ای دست به انتخاب می زنند و همین طور این انتخاب ها، اگر در راه حق و صواب باشد، جامعه را در صراط مستقیم رشد می دهد و اگر در راه باطل باشد، به انحراف می گراید. اما هر کدام اینها باشد، عناصری کلیدی وجود دارد، (۱) مردان و زنان نواندیش و دانشمند، (۲) تصمیم و اقدام آنها برای تغییر بخشی از وضع موجود به هر مقداری که می دانند و می توانند و به سمتی که آن را صواب می دانند. این اقدام می تواند از سرودن شعر باشد، تا فلسفه، نظریه علمی، اختراع و ابداع، تا سیاستهای صحیح اقتصادی و اجتماعی، تا تدوین قوانین متحول کننده و ... و هیچ یک نمی توانند ادعا کنند که افق را دقیقاً می دانسته اند، شاید که در تصویری مبهم، آن هم با اختلافات زیاد مشترک بوده اند. هر یک آجری می سازد و روی آجرهای دیگران می گذارد و این خداست که در نهایت شکل ساختمان را تعیین می کند. و الذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين (سوره العنکبوت آیه ۶۹)

نتیجه آنکه برای احیای تمدن اسلامی، مهم نیست که از کجا شروع کنیم. مهم نیست که حتماً باید از فلسفه شروع کنیم و چهارچوب های فلسفی اول شروع شود بعد به دنبال تولید علم برویم. مهم این است که این ولوله در جامعه اسلامی بیفتد، این همه به وجود آید، این حرکت و جنب و جوش که نوعی انگیزه مشترک مبهم که جوهره آن را عزت اسلام و مسلمانان تشکیل می دهد، ایجاد شود و راه بیفتد.

سومین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارویشت و خرداد ۱۳۹۳

نحوه سیاستگذاری حکومت

این نوع شروع و این نوع نگاه، الزاماتی بر سیاستگذاری حکومت برای تحقق تمدن اسلامی ایرانی ایجاد می‌کند که با الزامات نگاه گام‌های متوالی جهت تحقق تمدن متفاوت است. در نگاه گام‌های متوالی، حکومت موظف است مدت زمانی را به حمایت از اشخاص، مؤسسات و کسانی بپردازد که فلسفه اسلامی-ایرانی را تدوین کرده و عناصر آن را در حد توان تکمیل کنند تا مقدمه شکل‌گیری فلسفه علم اسلامی به وجود آید. پس از آن نیز مدتی به حمایت از فلسفه علم اسلامی خواهد پرداخت تا به اتمام برسد و همین‌طور تا گام‌های تحقق تمدن اسلامی-ایرانی به انتها برسد. به عبارت دیگر از این نگاه در ابتدا امکان پذیر نیست که علم اسلامی بوجود آید و لذا حکومت هم نمی‌تواند درباره آن کاری انجام دهد.

اما با نگاه مارپیچی مسأله چگونه می‌شود؟ اگر به سراغ تمدن غربی برویم، در غرب، ورود حکومت به عرصه توسعه و تمدنی و در یک کلمه سیاستگذاری پس از یک دوره طولانی جوشش خود جامعه در زمینه‌های گوناگون، مثل علم، فناوری، صنعت، اقتصاد و... و اقدامات پراکنده‌ای که توسط مردم و شرکت‌های خصوصی انجام شد، به اینجا رسیدند که لازم است دولت به عنوان نهاد هماهنگ‌کننده این اقدامات و استفاده بهینه از آنها برای توسعه وارد شود. میردال، در کتاب آن سوی دولت رفاه می‌گوید، در کشورهای غربی اول برای مسایل گوناگون اقداماتی انجام شد، بعد به تدریج نیاز به هماهنگی و برنامه‌ریزی کلان پیدا شد. در واقع بعد از اینکه کارها و اقدامات پراکنده و در موضوعات مختلف در سطح جامعه و توسط خود عوامل جامعه شکل گرفت، حکومت وارد مفهوم برنامه‌ریزی شد (Kahn 1969, 13 تا ۱۴). این سخن میردال به معنی آن است که در غرب ابتدا دانشمندان، فلاسفه، مخترعان، اقتصاددانان، سیاستمداران، هنرمندان و... کارها و اقدامات مختلف انجام دادند و پس از مدتها که از اقدامات مختلف گذشت، حکومت وارد شده و در قالب سیاستگذاری، به عنوان هماهنگ‌کننده این اقدامات، عمل کرد.

ما اکنون شرایطمان با دوره روشنگری فرق می‌کند. بشر تجربیات زیادی را در خصوص توسعه پشت سر گذرانده و می‌توانیم از این تجربیات استفاده کنیم. همچنین به هر حال اکنون دولت‌ها نقش بیشتری در سیاستگذاری بر عهده گرفته‌اند. و در کشور ما این موضوع چه بسا بیشتر است. به هر حال هم تجربیات بشر، هم شرایط ما را به این نقطه

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

رسانیده که دولت باید نقش زیادی در سیاستگذاری بازی کند و نمی تواند این موضوع را به حال خود رها کند.

با نگاه مارپیچی به تمدن اسلامی ایرانی، آنچه اهمیت دارد، به وجود آمدن آن موتور حرکتی و انگیزشی و جنب و جوش در میان دانشمندان، متفکرین، حقوق دانان، اقتصاددانان، رجال سیاسی، روحانیون، دانشگاهها، مؤسسات و همه اقشار و لایه های مؤثر در زمینه تمدن است. با این نگاه و با توجه به اهمیت ورود حکومت به نقش سیاستگذاری، نقش حکومت آن است که این حرکت و جنب و جوش را ایجاد کند و این ولوله را در جامعه بیانازد. حکومت حکم جرقه اولیه را برای آتش جامعه دارد و پس از آنکه این آتش گر گرفت، و به تدریج سرتاسر جامعه را فرا گرفت، آنوقت به تدریج شروع به هدایت و هماهنگی آن برای رشد و پیشرفت می کند.

بنابراین اکنون هم باید حکومت وارد شود و هم اینکه این سیاستگذاری بتواند فرایند را کاتالایز کرده و تسریع ببخشد. و آن هم این است که جوشش جامعه برای علم و فناوری و صنعت و اقتصاد در جهت اسلامی را تسریع کند. یعنی یک سری ویژگیهای کلی توسعه اسلامی که تعیین شد، کفایت می کند، و پس از آن حکومت مهمترین اقدامش و اولویت اولش این می شود که موجب جوشش و حرکت و ولوله جامعه می شود. وقتی این آتش در جامعه گر گرفت، آنوقت شروع به باد زدن و مهار کردن و استفاده از انرژی آن می کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از مهمترین امور در حرکت جدید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، روش و چگونگی رسیدن به آن است. در میان اندیشمندانی که به این موضوع می پردازند، به نظر می آید این اندیشه غالب است که برای رسیدن به تمدن اسلامی-ایرانی می بایست گامهای معینی را طی کرد و این گامها دارای توالی زمانی بوده و هر یک می توان پس از اتمام گام قبلی آغاز نمود. بررسی تاریخ تمدن غرب و به طور خاص عصر روشنگری، تمدن غرب نشان داد که فرایند تکاملی عصر روشنگری این گونه نبوده است. بلکه بررسی زندگی، آثار، اقدامات و فعالیتهای شخصیتهای تعیین کننده در عصر روشنگری نشان از الگوی مارپیچی تکاملی تمدن دارد. بدین معنی که اولاً این حرکت تمدنی از همه عرصه ها و حیطه ها، از فلسفه، علم، صنعت، اقتصاد، سیاست و... و به طور همزمان آغاز شده است. ثانیاً حرکت و

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارديبهشت و خرداد ۱۳۹۳

نمو همه این عرصه‌ها با هم و همزمان صورت می‌گیرد و در همان زمانی که اندیشه فلسفی ارایه می‌شود، نظریه فیزیک و ریاضی تدوین می‌شود و در همان زمان در موسیقی و هنر تحول ایجاد می‌شود و الی آخر. ثالثاً اگر فلسفه‌ای بعدها به نام فلسفه عصر روشنگری شناخته می‌شود، در واقع تکه‌های پازل آن در مقاطع زمانی مختلف کنار هم چیده شدند و این گونه نبود که یک دوره معین فقط به فلسفه روشنگری پرداخته شود و به اتمام برسد و بعد به سراغ حوزه و زمینه دیگر بروند. بلکه در همان زمان تکه‌های پازل علم، فناوری، صنعت و ... نیز در حال تکمیل شدن بود. و تصویر هر کدام از این حیطه‌ها بعدها متمایز شد و به عنوان فلسفه و علم و صنعت و فناوری و ... عصر روشنگری شناخته شد و از ابتدا چنین نقشه‌ای در سر هیچ اندیشمندی نبود. رابعاً نوعی تأثیر و تأثر میان همه حیطه‌ها و حوزه‌ها دیده می‌شود که حالتی از سازواره گونه بودن را میان آنها ایجاد می‌کند، گویی که همه آنها حول یک محور واحد، به مانند پیچک‌ها، در رشد و نمو هستند و لذا یک هویت و ماهیت متمایز به نام عصر روشنگری را شکل می‌دهند. خامساً این حرکت و هویت متمایز ریشه در همه‌ها و ولوله‌ای بود که در اروپا و آمریکا ایجاد شده بود و به همین دلیل در همه عرصه‌ها و در همه کشورها رنگ و ریشه آن را می‌بینیم. از این روست که برای ایجاد یک حرکت تمدنی جدید، به نام تمدن اسلامی-ایرانی، نقش حکومت ایجاد ولوله و همه‌ها و برانگیختن جامعه در حرکت به سوی این تمدن است. البته این حرکت در ایران با انقلاب اسلامی و نیز در سطح کشورهای اسلامی آغاز شده است. اما اگر حکومت این احیای صورت گرفته و انرژی و جنبش این حرکت را در زمینه‌های علم، فناوری، اقتصاد، هنر، حقوق و ... هدایت کند، آنگاه می‌توان شاهد بروز این حرکت نوین در جامعه اسلامی بود. و پس از چندین سال که این حرکت ایجاد شد، به تدریج به هماهنگی و هدایت آن در جهت رشد و پیشرفت بهینه کشور پردازد.

منابع

- پیروزمند، علیرضا. ۱۳۹۲. "پیش آمد و پس آمد الگوی توسعه اسلامی." فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی ۲ (۳): ۳۵ تا ۷۶.
- ۱۳۸۸. "مهندسی فرهنگی علم و فناوری." نامه پژوهش.
- تارکوفسکی، آندری. ۱۳۸۲. پنج فیلمنامه. با ترجمه مجید اسلامی، هادی کپرادر، مرگان محمد، فردین صاحب‌الزمانی و نغمه صمیمی. تهران: انتشارات نی.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکاووی مناهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردهیشت و خرداد ۱۳۹۳

تقوی، مصطفی. ۱۳۸۷. "درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی - ایرانی توسعه ی علم و فناوری." *روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)*, ۷۳ تا ۹۸.

خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۰. "الگوی حکمی-اجتهادی علوم انسانی." *جاویدان خرد* (۱۹): ۲۹ تا ۶۶.

شریف زاده، محمد جواد. ۱۳۹۲. "جایگاه تاریخ اقتصادی-اجتماعی در روش شناسی تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت." *مطالعات اقتصاد اسلامی*, ۶۵ تا ۹۲.

قرآن مجید.

Kahn, A. J. ۱۹۶۹. *Theory and Practice of Social Planning*. New York: Russell Sage Foundation.

Reill, Peter Hanns, and Ellen Judy Wilson. 2004. *Encyclopedia of the enlightenment*. Facts on File.